

منظومه‌ی نون و نمک

شامل ۳۰۰۰ دوبیتی از کنایات و ضرب المثلهای

شهربابک با گویش محلی

در این کتاب ضرب المثلهای شهربابک تألیف زهرا حسینی موسی به انضمام ضرب المثلهای و اصطلاحات عامیانه متفرقه شهربابک به نظم کشیده شده است

مؤلف:

افسر فاضلی شهربابکی

ناشر:

مرکز کرمان‌شناسی

سرشناسه: فاضلی شهرباکی، افسر، ۱۳۵۵
 عنوان و نام پدید آور: منظومه‌ی نون و نمک (شامل ۳۰۰۰ دوبیتی از کنایات و ضرب المثلهای
 شهرباک با گویش محلی) / افسر فاضلی شهرباکی.
 مشخصات نشر: کرمان: مرکز کرمان شناسی، ۱۳۸۹.
 مشخصات ظاهری: ۵۱۵
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۰۸-۷۴-۸
 ۱. وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 موضوع: ضرب المثلهای کرمانی.
 موضوع: ضرب المثلهای کرمانی -- شعر.
 موضوع: ضرب المثلهای ایرانی -- کرمان
 شناسه افزوده: مرکز کرمان شناسی
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۸: ۱۲۸۸: ۳۷۵/ک۷۵/۲۴/DSR
 رده بندی دیویی: ۳۹۸
 شماره کتاب شناسی ملی: ۱۷۸۶۸۶۲



عنوان کتاب: منظومه‌ی نون و نمک
 شامل ۳۰۰۰ دوبیتی از کنایات و ضرب المثلهای شهرباک با گویش محلی
 مؤلف: افسر فاضلی شهرباکی
 ناشر: مرکز کرمان شناسی
 مدیر مسئول: مجید جاوید
 صفحه آرای، تنظیم: ندا غلامرضا بیگی (مرکز کرمان شناسی)
 طرح روی جلد: رضا اسماعیلی آبدر (موسسه‌ی بابک گرافیک)
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۰۸-۷۴-۸
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۹
 قیمت: جلد نرم ۷۵۰۰، جلد سخت ۹۵۰۰ تومان
 شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: معراج

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

آدرس: کرمان - خیابان ابن سینا - مرکز کرمان شناسی ۳-۲۲۶۹۵۸۱-۳۴۱

«فهرست مطالب»

« خ »

خیلی آخویش میایه..... ۲۰۴

« د »

دل و دماغی برم نمونده..... ۲۵۱

« ذ »

ذوقک ذوقک سیوز بخته، پارسال کا گو

جَم می کرد، امسال روتخته..... ۲۹۵

« ر »

رابردار هچی نیسم..... ۲۹۸

« ز »

زیر پاتم نگا کن..... ۳۱۸

« س »

سید قُرشنی که نیس..... ۳۳۲

« ش »

شیر جوش خورده..... ۳۵۵

« ص »

صاب صداش بلند می شه..... ۳۶۵

« ض »

« الف »

آبرو مِثِ اوه، آگه رخ جَم نمی ش..... ۱۳

« ب »

باغ سیوز نشون می ده..... ۹۲

« پ »

پارسال دوس امسال آشنا!..... ۱۲۶

« ت »

تازه رسیدیم به سرِ خونه ی قدیم..... ۱۴۳

« ث »

ثانیه برش می گه..... ۱۶۷

« ج »

جات عوض می شه، پیشونی ت چکار می کنی؟

۱۶۸

« چ »

چاش پا دریایه..... ۱۷۶

« ح »

حاله بیا گوجالِ بورِ سرِ او..... ۱۹۰

- ضیفه خیلی شلافیه..... ۳۷۱..... کِزَم رِ ور میاره..... ۴۲۹.....
- « ط » « ل »
- طلاق زوونش داده..... ۳۷۲..... لَقَت ور بخت خوَدِت زدی..... ۴۴۱.....
- « ظ » « م »
- ظرف سفالی می‌گرده برِ خوَدِش پیدا می‌کنه..... ۳۷۵..... ما اگه شَمَس دُشتیم اِسَمون شَمسعلی بود..... ۴۴۶.....
- « ع » « ن »
- عزا مرگم بمونه..... ۳۷۷..... نازا کَشکی می‌یاره..... ۴۷۷.....
- « غ » « و »
- غیرتِ آخروس یاد بگیر..... ۳۸۵..... وَرِیزَت می‌کنم..... ۴۸۶.....
- « ف » « ه »
- فلونی وَختی می‌ری خونه‌ش سرأ خودش نیس..... ۳۸۸..... ها و بلا..... ۴۸۹.....
- « ق » « ی »
- یه وَختی خُوَت کُمر نَشه!..... ۵۰۶..... قِدِت بشم..... ۴۰۳.....
- « ک »
- کِل زنبور ، شور میده..... ۴۱۱.....
- « گ »

خداوند بخشنده‌ی مهربان

به نام توان بخش هر ناتوان

لهجه‌های محلی که گروهی خاص بدان گفتگو می‌کنند، گویش نامیده می‌شود. گویش‌های محلی هر سرزمین در اصل، زبان عمومی آن سرزمین محسوب می‌شود. گویش از نظر توانایی کمتر از زبان رسمی نیست و آنچه که امروز، بنام گویش‌های ایرانی می‌شناسیم، زبان عمومی مردم سرزمین پهناور ایران باستان است. لهجه‌ی کرمانی، یکی از لهجه‌های زبان فارسی و از خانواده‌ی زبان هند و اروپایی است.

تنوع گویش‌ها در پهناورترین استان کشور، کرمان، زمینه‌های مناسبی برای پژوهشگران، محققان و مؤلفان فراهم کرده است. حاصل مطالعات و بررسی‌های برخی از مؤلفان؛ سی عنوان کتاب مختلف از گویش‌های متنوع در محدوده‌ی جغرافیایی استان کرمان است که توسط مرکز کرمان‌شناسی منتشر شده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته است. مرکز کرمان‌شناسی تلاش می‌نماید، با جمع‌آوری، حفظ و بررسی گویش‌های محلی و مدد گرفتن از مشارکت دلسوزان عرصه‌ی فرهنگ، از نسیان و فراموشی واژه‌های به یادگار مانده از نیاکان این سرزمین جلوگیری کند.

یکی از راه‌های شناخت آداب و رسوم و فرهنگ یک منطقه، آشنایی با گویش‌های محلی آن سرزمین است. با بررسی این واژه‌ها به کیفیت ارتباطات مردمی، اوضاع اجتماعی، نحوه‌ی زندگی، اعتقادات مذهبی، در طول زمان پی می‌بریم. به طور کلی گویش‌های محلی، ریشه در تاریخ فرهنگ یک سرزمین داشته و نشانه‌ی تفکر و تدبیر نیاکان آن سرزمین است و در واقع گویش، ردپای تاریخ این دیار کهن به شمار می‌رود.

از آنجا که حفظ و صیانت گویش‌ها امری مهم است، ضرورت دارد مسؤولین و متولیان فرهنگ برای حفظ این میراث کهن و ارزشمند و ترویج آن برنامه‌ریزی نموده و این امانت پر بار و غنی را به طور صحیح به نسل‌های آینده منتقل کنند.

بی‌تردید لهجه‌ها و گویش‌ها نیز در طول زمان و در پی تحولات جوامع بشری، تغییرات زیادی کرده‌اند. بقا و دوام لهجه‌ها و گویش‌ها در گذشته، بیشتر نشأت گرفته از علاقه‌ی متکلمان به فرهنگ و آداب و رسوم و محدودیت در برقراری ارتباط با نقاط دیگر بوده است که از خلط لهجه و گویش یک منطقه با سایر مناطق می‌کاست. اما در حال حاضر، فراگیر شدن وسایل ارتباط جمعی به ویژه رسانه‌ها و نقش آن بر زندگی روز مره‌ی مردم و

دگرگونی مناسبات اجتماعی و کم رنگ شدن فرهنگ و گویش در باور نسل جدید و نسل‌های آینده، برای اصحاب فرهنگ دل‌نگرانی‌هایی به وجود آورده و بیم از نابودی و فراموشی گویش و لهجه، زنگ خطر را به صدا در آورده است. بنابراین، باید علی‌رغم مشغله‌ها و تنوع سرگرمی‌ها، گویش‌های محلی در زندگی مردم جاری شود و این موارث فرهنگی چون آثار و ابنیه‌ی تاریخی، احیا و حفظ و حراست شود.

مجموعه‌ی تألیف شده توسط سرکار خانم فاضلی شهربابی تحت عنوان «منظومه‌ی نون و نمک» تلاشی است در همین راستا که گوشه‌هایی از فرهنگ و گویش زادگاه خویش را با عنایت به علاقه‌ی خاص به زبان و فرهنگ این مرز و بوم، آماده و به علاقه‌مندان و پژوهشگران تقدیم نموده است. وی با دقت و وسواسی خاص، با استخراج از متن کتاب «ضرب‌المثل‌های شهربابک»، تألیف محقق و نویسنده‌ی گرامی، سرکار خانم زهرا حسینی موسی، در طرح نو و قالبی جدید، این ضرب‌المثل‌ها را به نظم در آورده که با سایر آثار ارائه شده در حوزه گویش، متفاوت است. ضمن عرض خسته نباشید، توفیق بیش از پیش این محقق و شاعره‌ی گران‌قدر و پر تلاش را از درگاه قادر متعال خواستاریم.

امید است مرکز کرمان شناسی نیز توانسته باشد، در راستای اهداف فرهنگی خویش با انتشار این گونه آثار، در معرفی و شناساندن موارث فرهنگی و ارزش‌های غنی ملی و مذهبی به اقشار مختلف به ویژه نسل جوان، رسالت خود را به انجام برساند.

در پایان لازم است از حمایت‌های مسئولین محترم فرهنگی استان و همچنین از و همکارانم در مرکز کرمان شناسی و به ویژه سرکار خانم نداغلامرضا بیگی تشکر نمایم.

والحمد لله اولاً و آخراً

مجید جاوید

مرکز کرمان شناسی

بهار ۱۳۸۹

به نام خداوند جان و خرد

سپاس و ستایش خداوند بلند مرتبه‌ای را که به بنده‌ی حقیر توفیق خدمتی هر چند اندک در به نظم کشیدن گوشه‌ای از فرهنگ بومی و محلی سرزمینم را عطا فرمود. مهمی که سال‌های سال آرزوی به تحقق پیوستن آن را داشتم که اینک با لطف و کرم حضرت او تا حدی به سامان رسید.

عشق و علاقه‌ی شدید به زادگاهم «شهربابک» را از آغازین سال‌های حیات در وجودم احساس کرده و همواره به آن افتخار می‌کنم. و این قوی‌ترین دلیل من برای تألیف مجموعه‌ی حاضر بود.

در سال ۱۳۷۲ مجموعه‌ای شامل چند صد ضرب المثل شهربابکی را جمع‌آوری کرده و در قالب دو بی‌تی به نظم در آورده تا به صورت کتابچه‌ای کوچک به چاپ برسانم که متأسفانه این مجموعه در جریان کارهای اداری مفقود گشته و نتیجه‌ای از آن حاصل نشد. با این همه در طول این سالها هرگز از فکر نگارش اثری در زمینه‌ی تاریخ و فرهنگ سرزمینم غافل نبودم تا اینکه با چاپ کتاب ضرب المثل‌های شهربابک اثر سرکار خانم زهرا حسینی موسی که به حق از پیشگامان پر تلاش این حرکت ارزنده‌ی تاریخی و فرهنگی در شهربابک هستند، این انگیزه تقویت و به صورت جدی دنبال شد که حاصلش مجموعه‌ای است که در پیش روی دارید؛ مجموعه‌ای که به رغم همه تلاش‌های صورت گرفته به یقین قاطع، بسیار ناقص بوده و تا رسیدن به کمال راهی طولانی را در پیش روی دارد و این راه هموار نمی‌شود جز با اظهار نظر و راهنمایی شما همشهریان و خوانندگان عزیز که سینه‌ی گرم و پر مهرتان دفتری مالا مال از واژه‌ها و ضرب المثل‌های محلی شفاهی است که خود به غنای این دو مقوله کمک فوق‌العاده ارزشمندی به حساب می‌آید به هر تقدیر امیدوارم این کمک را از بنده دریغ نفرموده تا انشاء... در چاپ‌های بعدی مورد استفاده قرار گیرد.

در اینجا تأکید می‌کنم که منظومه‌ی نون و نمک و امداد سال‌ها تحقیق و پژوهش سرکار خانم حسینی در کتاب گویش‌ها و ضرب المثل‌های شهربابک است و تعداد ضرب المثل‌هایی که خارج از کتاب مذکور در این مجموعه آورده شده است را مرهون هم صحبتی با مادر گرامیم و دیگر میان‌سالان، سالخوردگان و اقشاری میدانم که در

طول سالها بخصوص این چند ماه با آنها برخورد داشته و بدون هیچ مقدمه و به صورت اتفاقی از گویش‌های روزمره‌ی آنان بهره جسته‌ام.

در اینجا ذکر چند نکته را ضروری میدانم که البته خود به این نتایج رسیده و شاید سندی معتبری نداشته باشند، لیکن برای آگاهی بیشتر خوانندگان که مطمئناً خود نیز بر آن واقفند، اشاره‌ای جزئی به آنها می‌نمایم.

به علت وسعت و پراکندگی دامنه‌ی گویش‌ها و ضرب المثل‌های محلی به ویژه در روستاها و نقاط دوراز دسترس پژوهشگران، مسلماً هرگز مجموعه‌ی بسیار کاملی در این زمینه به وجود نخواهد آمد. به هر حال وظیفه‌ی تمام کسانی که دستی به قلم دارند این است که با تحقیق و پژوهش در گستره‌ی ادبیات شفاهی هر سرزمین و مکتوب نمودن آن به جاودانگی این میراث ارزشمند کمک کرده و نگذارند که به مرور زمان دستخوش فراموشی و نابودی گردد. چه بسا واژگان و ضرب المثل‌ها و داستان‌هایی که به همین علت از حافظه‌ی تاریخی ملت‌ها پاک شده‌اند. این اقتضای روزگار است و بیش از پیش همت پژوهشگران و نویسندگان در لزوم استفاده از فرهنگ مکتوب را می‌طلبد. دو دلیل عمده فراموشی گویشهای عامیانه به شرح ذیل می‌باشد.

۱- به دلیل پیشرفت روزافزون علم و صنعت و گسترش زندگی ماشینی شکافی عمیق بین نسل گذشته که همان سالخوردگان و بزرگان هر خانواده و طایفه هستند با نسل فعلی که جوانان و نوجوانان جویای علم و تمدن جدید می‌باشند، به وجود آمده و عدم دید و بازدیدها و رفت و آمد های قدیم که بسیار متداول و مرسوم بوده، سبب شده که نسل فعلی نتواند از گنجینه‌ی ارزشمند لغات و گویش‌های محلی استفاده کامل را ببرد.

۲- نسل فعلی استفاده از گویش‌های محلی گذشتگان را در زندگی روزمره و در جامعه فعلی برای خود چندان مناسب نمی‌بیند و گاهی ما بزرگترها آگاهانه به بسیاری از گویش‌های محلی آنان خرده می‌گیریم و از فرزندانمان می‌خواهیم تا به جای استفاده از واژه های قدیمی، واژه های جدید و به قول خودمان با کلاس تر را به کار ببرند که این نیز دلیلی بر فراموشی گویش‌های عامیانه است و از آنجا که براساس شرایط موجود از این دو عامل عمده گریزی نیست؛ ثبت و کتابت این واژه ها تنها راه بقاء و غنای آنان است که امیدواریم این مهم قبل از آنکه آسیبی جدی پذیرد، تحقق یابد.

بنده هرگز مدعی انجام کاری قابل تقدیر و تحسین در این زمینه نبوده و نیستم اما از اینکه توانستم سهم بسیار ناچیزی از دین بزرگ خود به فرهنگ و مردم شهربابک را آن هم در حد وسع و توانم ادا کنم، بسیار خوشحالم و امیدوارم این اثر ناچیز در کنار آثار ارزشمند و گران سنگ دوستان دیگری که قبلا این راه دشوار را پیموده‌اند، محلی از اعراب به شمار آید.

ودر پایان از تمام عزیزانی که در چاپ این مجموعه با بنده همکاری کرده‌اند، از جناب آقای مجید جاوید مدیر محترم مرکز کرمان شناسی که همواره از راهنمایی‌های ارزشمند ایشان بهره مند بوده ام، از سرکار خانم ندا غلامرضا بیگی که در کمال دقت و حوصله صفحه آرایی این مجموعه را عهده دار بوده اند و از همسر بزرگوارم جناب آقای حسن مومنی که بدون کمک مادی و معنوی ایشان چاپ این اثر امکان پذیر نبود و همچنین از فرزند عزیزم امیر حسین که در طول ماه ها تهیه و تدوین این مجموعه با سادگی و صداقت کودکانه اش بسیاری از ضرب المثل‌هایی را که شنیده بود برایم یادآوری کرد، تشکر و قدردانی می نمایم.

باشد که همه ی ما در حفظ میراث ارزشمند گذشتگان همت کنیم .

افسر فاضلی شهربابکی

بهار ۱۳۸۹